وقتی کمر قهرمانان دنیای کودکان شکسته می‌شود

پدرهای قصه‌های کودکان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟



نغمه رحیمی‌پور
قفسه کتاب

اپیزود اول

شخصیت پسر داستان به پدرش می‌گوید که اتفاق عجیبی برایش افتاده مثلا تکه‌ای از آسمان توی اتاقش افتاده یا توانسته دستگاهی اختراع بکند. پدر هم یا حرفش را باور نمی‌کند یا آنقدر سرش شلوغ است که به او توجه نمی‌کند و در تمام طول داستان، پدر نقش یک ضدقهرمان را برای پسرش دارد و در پایان متوجه اشتباهش می‌شود از پسرش عذرخواهی می‌کند و تصمیم می‌گیرد بعد از آن به او اعتماد و توجه کند.

اپیزود دوم

شخصیت دختر داستان می‌خواهد دست به ماجراجویی بزند و افق‌های ناشناخته را کشف کند ولی پدر اصرار دارد دخترش تابع سنت‌های خرافی و غلط‌بار باشد. در تمام طول داستان، دختر با پدرش درگیر است و در پایان پدر متوجه اشتباهش می‌شود از دخترش عذرخواهی می‌کند و پایش را از زندگی او بیرون می‌کشد.

اپیزود سوم

خانواده‌ای درگیر یک بحران شده‌اند مثلا آدم فضایی‌ها به شهرشان حمله کردند یا عضوی از اعضای خانواده ربوده شده یا درگیر یک ماجرای جنایی شده‌اند. حالا تمام اعضای خانواده می‌خواهند در کنار هم با مشکل دست و پنجه نرم کنند. هرکدام از اعضا برخورد خاصی با مسأله دارد و همیشه یک نفر در این میان است که بدون درایت و تدبیر عمل می‌کند؛ آن شخص کیست؟ بله، درست است. پدر خانواده! کودن‌ترین، ساده‌لوح‌ترین، خرابکارترین، مضحک‌ترین و متحجرترین عضو خانواده، اوست. در عین حال که مهربان و مسؤولیت‌پذیر است و عاشق خانواده‌اش است و می‌خواهد از آنها محافظت کند ولی همیشه دسته‌گل به آب می‌دهد و مادر و بچه‌ها باید جور او را بکشند.

این سه اپیزود، صحنه‌های تکراری در بسیاری از انیمیشن‌های امروزی است که ردپایش به‌صورت کمی رقیق‌تر در کتاب‌های کودکان دیده می‌شود.

ضدقهرمان بودن والدین از سال‌ها پیش و به‌دست نویسندگانی که دچار بحران‌های خانوادگی بودند، وارد ادبیات کودک شده است. شاید اولین انگیزه برای نسبت دادن چنین جایگاهی به والدین، توجه دادن آنها به کودکان و روحیه حساس‌شان بوده، در سال‌هایی که کودک و تربیت او از کمترین ارزش برخوردار بود ولی ادامه یافتن این روند تا عصر حاضر و تعمیم دادن آن به تمام یا اغلب والدین، نه تنها اجحاف در حق آنهاست بلکه باعث صدمه زدن به مخاطب کم‌سن و سال می‌شود. در درجه اول اگر بنا داریم والدین را متوجه اهمیت دوران کودکی و حساسیت آن بکنیم، جایش در ادبیات بزرگسال است نه ادبیات کودک. شاید اگر بچه‌ها می‌توانستند نیازهای خودشان را بشناسند و بیان کنند، به ما آدم بزرگ‌هایی که داریم برای دنیای آنها داستان می‌نویسیم، می‌گفتند: «لطفا ما را درگیر مشکلات خودتان نکنید. ما نه علاقه‌ای به فهمیدن عقده‌های دوران کودکی شما و دلخوری‌هایتان از والدین‌تان داریم و نه می‌خواهیم سنگ صبورتان باشیم تا عذاب وجدانتان از بی‌توجهی به فرزندانتان را برایمان شرح بدهید. ما پدر و مادرمان را دوست داریم و در کنارشان احساس آرامش می‌کنیم و دوست داریم پدر و مادرهای داستان‌هایمان هم همین‌طور باشند.»

علاوه بر آن که این شیوه شخصیت‌پردازی والدین در داستان‌های کودکان، باعث درگیر شدن مخاطب کم‌سن و سال با مشکلات و دغدغه‌های دنیای آدم بزرگ‌هاست، تخریب چهره والدین به‌خصوص پدر سبب سوق دادن کودک به سمت بی‌هویتی می‌شود.

از قرن‌ها پیش و در میان تمام اقوام و ملل، بزرگان خانواده مورد احترام خاص تمام اعضا بوده‌اند و حفظ حرمت ریش‌سفیدهای فامیل، باعث می‌شد سایر افراد هم احساس شخصیت کنند. در واقع کل خانواده هویت خودشان را از بزرگ‌ترشان می‌گرفتند. در دوران معاصر، با این‌که خانواده‌ها کوچک شده‌اند ولی هنوز همان کارکردها که ریشه در ساختار وجود انسان و جنبه اجتماعی شخصیتش دارد، برقرار است. هنوز هم برای یک کودک، والدین و به‌خصوص پدر، نقش هویت‌ساز دارند. پایین آوردن شأن پدر و تحقیر او، کودک را دچار بحران هویت می‌کند. کودکی که دچار بحران هویت شود، برای خودش ارزش قائل نیست و نسبت به خودش احساس مسؤولیت نمی‌کند و ممکن است به هر سمت و سویی منحرف شود.

البته این مسأله یعنی نقش پدر و شخصیت او در ادبیات نوجوان تا حدودی متفاوت از ادبیات کودک است. در دوران نوجوانی که دوران آغاز استقلال‌گرایی و آزاداندیشی است و نوجوان بنا به طبیعت خود شروع به مخالفت با آموزه‌های والدین و فاصله گرفتن از آنها می‌کند تا شخصیت مستقل خودش را بسازد، نقش والدین در داستان‌ها تغییر می‌کند. البته روندی که امروز در آثار نوجوانان دنبال می‌شود، روند مطلوبی نیست و اثرات مخرب خودش را دارد که در اینجا مورد بحث ما نیست.

و خلاصه کلام آن‌که در آثار گروه سنی کودک، چه آنهاکه تالیفی هستند و چه آنها که ترجمه می‌شوند، باید بیش از پیش هوای قهرمانان دنیای فرزندان‌مان را داشته باشیم زیرا که هر تیشه‌ای که بخواهیم به کمر اینها بزنیم، اول بر پیکر کوچک و نحیف کودکانی وارد می‌آید که عاشقانه خود را سپر بلای والدین‌شان می‌کنند.

برای خواندن این کتاب دوسه ساعت کافی است

نویسنده: جمعی از نویسندگان
ناشر: انتشارات طلایی
۳۲۸ صفحه
۲۵۰۰۰۰ تومان

وی‌نگاری

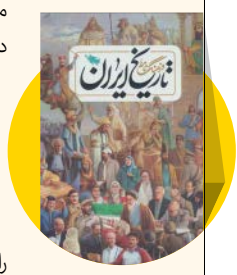
کتابی به قدمت قدیمی‌ترین کشور جهان



برنا
از کلاس نهم!

«واژه ایران به معنای سرزمین مردمان نجیب و شریف است. اولین بار این نام در کتیبه پادشاهان سومری که مربوط به هزاره سوم قبل از میلادند، آمده است.» کتابی که امروز می‌خواهم معرفی کنم با این جمله شروع می‌شود. یک کتاب داستان نیست. از آن کتاب‌هایی هم نیست که یک روز شروع کنید و از صفحه اول مشغول خواندن شوید و تا صفحه آخر بروید. از آن مدل کتاب‌هایی است که باید گاهی به آن سر بزنید. براساس فهرستش سراغ قسمتی که دنبالش هستید بروید و بخوانید و عکس‌هایش را خوب نگاه کنید.

از آن روزی که با مدرسه به کاخ سعدآباد رفتیم (که داستانش را هم برایتان تعریف کردم) به کتاب‌های تاریخی علی‌الخصوص تاریخ ایران علاقه‌مند شدم اما مشکل اینجا بود که اغلب کتاب‌های تاریخ هم خیلی قطور بودند، هم جوری حرف می‌زدند که من نمی‌فهمیدم. مثلا دلم می‌خواست کمی اطلاعات از دوره صفویه داشته باشم اما برای همین کمی اطلاعات باید ۵۰۰ جلد کتاب می‌خواندم که اغلبش را هم نمی‌فهمیدم.



برای همین وقتی این کتاب را توی کتابخانه مدرسه دیدم، احساس کردم که به گنج واقعی دست پیدا کردم و چند زنگ تفریح را خرج کردم تا خوب خوب بررسی‌اش کنم.

«فرهنگنامه تاریخ ایران» یک دایره‌المعارف بزرگ است که از اول تاریخ ایران تا امروز را تعریف می‌کند؛ یعنی از زمانی که هنوز آدم‌ها روی کره زمین نبوده‌اند تا زمانی که سردار سلیمانی، داعش را شکست می‌دهد. (البته کتاب چاپ سال ۱۳۹۷ است و چیزی از شهادت سردار ننوشته که چقدر بهتر، می‌توانیم وانمود کنیم تاریخ در همان سال ۹۷ متوقف شده‌است.) معلم تاریخ‌مان می‌گوید دایره‌المعارف‌ها قرار نیست اطلاعات جزئی و خیلی مفصل از مسائل را ارائه بدهند؛ بلکه قرار است مهم‌ترین اطلاعات را جوری کنار هم مرتب کنند که خواننده به‌راحتی آن چیزی را که می‌خواهد پیدا کند. اگر نظر من را بخواهید مهم‌ترین ویژگی این کتاب این است که بدون زیاده‌گویی، چند هزار سال تاریخ را کنار هم آورده است و شما می‌توانید ماجرای قرن‌های طولانی را به ترتیب کنار هم نگاه کنید بدون این‌که اسیر جزئیات طولانی کتاب‌های قطور بشوید و از همه مهم‌تر همه این اطلاعات را جوری نوشته که برای فهمیدنش لازم نیست دکترای تاریخ محض داشته باشید.

اگر مثل من به تاریخ ایران علاقه‌مند هستید و کمی هم پول دارید، می‌توانید این کتاب را بخرید و هروقت حوصله‌تان سر رفته کمی ورق بزنید و عکس‌هایش را نگاه کنید و بخوانید. اگر هم آنقدرها پولدار نیستید ولی باز هم به تاریخ علاقه دارید، می‌توانید به معلم یا مسؤول کتابخانه‌تان بگویید که این کتاب را برای مدرسه‌تان تهیه کنید و گاهی سر کلاس تاریخ ببرید و باهم نگاهش کنید. کتاب جلد قشنگی دارد. عکسی که کوروش کبیر، پروین اعتصامی، فردوسی، جلال آل‌احمد، پروفسور سمیعی و ... همه کنار هم ایستاده‌اند و همه‌شان با هم تاریخ سرزمینی را رقم زده‌اند که قدیمی‌ترین کشور جهان است.